

۱۶۷- در تضرع و اظهار خضوع و فروتنی به پیشگاه خداوند

رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذُنُوبِي، وَأَنْقَطَعْتُ مَقَالَتِي، فَلَا حُجَّةَ
لِي،

پروردگارم! گناهانم زبانم را بند آورده و مجال سخن گفتن را
از من گرفته است؛ دیگر هیچ دلیلی برای دفاع از خود ندارم.

فَأَنَا الْأَسِيرُ بِبَلِيَّتِي، الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِي، الْمُتَرَدِّدُ فِي
خَطِيئَتِي،

من همانم که در بند گرفتاری‌های خود اسیرم، گروگان
کردار خویش، و دروادی خطاها و گناهانم غوطه‌ور و پریشانم.

الْمُتَحَيِّرُ عَنْ قَصْدِي، الْمُنْقَطِعُ إِلَيَّ.

سرگردان و دور افتاده از مقصد و غایت اصلی‌ام، درمانده‌ای که
رشته‌ی کارم گسسته شده است.

قَدْ أَوْقَفْتُ نَفْسِي مَوْقِفَ الْأَذِلَّاءِ الْمَذْنِبِينَ،

اینک، خویشتن را در مقام خوارترین گناهکاران قرار داده‌ام،

مَوْقِفَ الْأَشْقِيَاءِ الْمُتَجَرِّئِينَ^۲ عَلَيْكَ، الْمُسْتَخْفِينَ
بِعَوْدِكَ،

در جایگاه تیره‌بختانی که بر ساحت تو گستاخی کرده‌اند،
همانها که وعده‌های قهرت را سبک شمرده و به هیچ انگاشته‌اند.

سُبْحَانَكَ أَيَّ جُرْأَةٍ اجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ، وَأَيَّ تَغْيِيرٍ
غَرَّرْتُ بِنَفْسِي؟!

پاک و منزهی تو! من با چه جسارتی بر تو گستاخی کردم؟ و
چگونه خود را به این فریب و هلاکت کشاندم؟!

مَوْلَايَ اِرْحَمْ كَبَوْتِي لِحُرِّ وَجْهِهِ وَزَلَّةَ قَدَمِي،
مولای من، بر سقوط من که سرافکنده‌ام ساخت و به آبرویم
لطمه زد، و بر لغزش قدم‌هایم، رحم کن

وَعُدُّ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَبِإِحْسَانِكَ عَلَى إِسَاءَتِي،
و با حلم و شکیبایی‌ات، از جهل و نادانی‌ام چشم‌پوشی کن و با
احسان و نیکی‌ات، بدی‌هایم را ببخش

فَأَنَا الْمُقَرَّبُ بِذَنْبِي، الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي،
من همانم که به گناه خود اقرار می‌کنم، و به خطای خویش
اعتراف دارم.

وَهَذِهِ يَدَيَّ وَنَاصِيَّتِي أُسْتَكِينُ بِالْقَوْدِ مِنْ نَفْسِي،
و این سرنوشت و اختیار من است که در کف قدرت توست،
و با نهایت تضرع، خود را آماده پذیرش مجازات کرده‌ام.

رُحِمَ شَيْبَتِي وَنَفَادَ أَيَّامِي، وَاقْتِرَابَ أَجَلِي،

رحم کن بر سپیدی مویم، بر پایان یافتن روزهای عمرم و بر
نزدیک شدن هنگام مرگم؛

وَضَعُفِي وَمَسْكَنَتِي، وَقِلَّةَ حِيلَتِي.

و بر ضعف و بیچارگی و کمی تدبیرم.

مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْيَا أَثَرِي،

مولای من، بر من رحم آور در آن هنگام که نشان و اثر من از
این جهان برچیده شود،

وَأَمَحَى مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ذِكْرِي،

و یادم از میان مردمان محو گردد؛

وَكُنْتُ فِي الْمُنْسِينَ كَمَنْ قَدْ نُسِيَ.

آنگاه که در صف فراموش شدگان، همچون کسی باشم که
وجودش به کلی از یادها رفته است.

مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي وَحَالِي،

مولای من، و بر من رحم کن در آن لحظه که شکل و وضعیتم
دگرگون شود؛

إِذَا بَلَی جِسْمِي وَتَفَرَّقَتْ أَعْضَائِي، وَتَقَطَّعَتْ أَوْصَالِي،

آن زمان که پیکرم بپوسد، اعضایم از هم گسسته شود و
بندبند وجودم از هم بگسلد.

يَا غَفْلَتِي عَمَّا يُرَادُ بِي.

آه از این غفلت و بی خبری ام نسبت به آنچه که از من خواسته خواهد شد!

مَوْلَايَ وَارْحَمْنِي فِي حَشْرِي وَنَشْرِي،

مولای من، بر من رحم کن در روز حشر و برانگیخته شدنم

وَاجْعَلْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَعَ أَوْلِيَائِكَ مَوْقِفِي، وَفِي

أَحْبَائِكَ مَصْدَرِي،

و در آن روز، قرارگاه مرا همراهی با دوستان خاصّت، و سرانجام مرا همراه با محبوبانت قرار ده؛

وَفِي جَوَارِكِ مَسْكَنِي، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

و منزلگاه آرام ابدی ام را در جوار خویش قرار ده، ای پروردگار جهانیان!

۱. الْمُنْقَطِعُ

۲. الْمُسَجَّرِينَ